

ماهیت و چگونگی نقض حقوق مادی آفرینش‌های ادبی و هنری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱ مصطفی نصرآبادی*

چکیده

مسئولیت مدنی یکی از شاخه‌های حقوق است که با گسترش موضوعات حقوقی بسط پیدا می‌کند. یکی از این موضوعات، مالکیت فکری است که دو حوزه مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی را شامل می‌شود. برای تحقق مسئولیت مدنی در هر موضوعی ابتدا باید ارکان مسئولیت مدنی یعنی ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت را اثبات کرد. به دلیل فیزیکی نبودن اموال معنوی از جمله آثار ادبی و هنری اثبات ارکان مسئولیت مدنی به خصوص فعل زیان‌بار در زیان وارد شده به آنها، ویژه و خاص خواهد بود. فعل زیان‌بار در دعوای مسئولیت مدنی اضرار به آثار ادبی و هنری و نقض حقوق ناشی از این آثار است که با توجه به هریک از حقوق پدیدآورنده متفاوت خواهد بود. در این نوشتار به دلیل اهمیت حقوق مادی آثار ادبی و هنری به نقض این حقوق پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: نقض، حقوق مادی، آثار ادبی و هنری، اتلاف، مسئولیت مدنی.

مقدمه

اموال معنوی از جمله آثار ادبی و هنری دارای ماهیت اعتباری هستند که رابطه حقوقی میان آنها و پدیدآورنده نیز در قالب مالکیت اعتباری است. بر خلاف اموال مادی که خود آنها ملموس بوده، ولی رابطه حقوقی میان شخص و آن اموال می‌تواند در قالب مالکیت تحقق یابد. یکی از تفاوت‌های این دو دسته اموال در چگونگی زیان وارده به آنهاست. خسارت اموال مادی به دلیل ملموس بودن، با از بین رفتن مال یا نقص آن صورت می‌پذیرد و از این طریق حقوق اعتباری مالک آن نیز آسیب می‌بیند. ولی زیان وارده به اموال معنوی از جمله آثار ادبی و هنری به دلیل نداشتن جنبه فیزیکی و ملموس از طریق نقض حقوق مترتب بر آن محقق می‌شود و فعل زیان‌بار در دعوای مسئولیت مدنی نسبت به آثار ادبی و هنری، نقض حقوق صاحبان این اموال است.

دو گروه حقوق مادی و معنوی در حوزه مالکیت ادبی و هنری برای پدیدآورنده شناخته شده که هر یک از این دو گروه دارای ویژگی‌ها و مصادیق خاص خود است. حقوق مادی، بیان‌گر حق انحصاری هرگونه بهره‌برداری مالی از اثر برای پدیدآورنده است و حقوق معنوی، پاره‌ای امتیازات غیرمادی است که مربوط به شخصیت پدیدآورنده و برای حمایت از آن می‌باشد.

نقض حقوق معنوی می‌تواند متضمن منفعت مالی باشد؛ ولی غالباً افراد با نقض حقوق مادی پدیدآورنده، به دنبال نفع مالی هستند و به همین جهت بررسی نقض حقوق مادی پدیدآورنده دارای اهمیت بیشتر است. نقض و شرایط آن در ادبیات حقوقی خارجی مورد مطالعه قرار گرفته، ولی این مطالعه به صورت کلی بوده و به شکل موردی نقض حقوق مادی بررسی نشده است. در حقوق ایران این موضوع مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد که با استفاده از قواعد عمومی مسئولیت مدنی و باب غضب، می‌توان نقض

حقوق مادی آثار ادبی و هنری را به عنوان فعل زیان‌بار در دعوی مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به این اموال مورد مطالعه قرار داد و ناقض را ملزم به جبران خسارت نمود. در این نوشتار پس از بررسی نقض و شرایط آن به توصیف مختصر هر یک از حقوق مادی آثار ادبی و هنری پرداخته شده و سپس نقض این حقوق مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است.

۱. توصیف نقض و شرایط آن

نقض^۱ واژه‌ای کلیدی است که در فهم مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به آفرینش‌های ادبی و هنری نقش اساسی دارد. برای شناخت این امر ابتدا تعریف نقض و سپس شرایط تحقق آن بررسی می‌شود.

۱.۱. تعریف نقض

از جمله واژه‌های مهم در مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری، واژه نقض است. این واژه در قانون حمایت از حقوق مؤلفان (۱۳۴۸) و قانون ترجمه و تکثیر کتب (۱۳۵۲) به کار نرفته و فقط مصادیقی از آن در مواد مختلف ذکر شده است. اما قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹) در دو ماده ۹ و ۱۳ به این واژه اشاره کرده است. در ماده ۹ واژه «نقض حقوق» و در ماده ۱۳ واژه «نقض» به کار رفته است که از سیاق ماده اخیر فهمیده می‌شود که مراد نقض حقوق است. بنابراین اگرچه بر اساس قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ ارائه تعریف از واژه نقض جنبه علمی و آموزشی دارد، بر اساس قانون ۱۳۷۹ که به این واژه تصریح کرده است، ارائه تعریف آثار حقوقی به دنبال دارد.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به تعریف واژه‌ها دست یافت؟ این

1. Infringement.

پرسش درباره واژه‌ها و عناوینی که در مفاد قانون از آنها استفاده شده، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا ارائه تعریف، قلمرو احکام مترتب بر آن واژه‌ها و عناوین را مشخص می‌سازد. از این رو چون مهم‌ترین راه برای شناخت مفاد قانون مراجعه به خود قانون است، در صورتی که قانون‌گذار به صورت قانونی معنای واژه‌ای را بیان کند، تحلیل مفهوم واژه ضرورت ندارد و آن تعریف به عنوان تعریف قانونی ملاک عمل قرار می‌گیرد؛ اگرچه می‌توان از نظر علمی تعریف مذکور را بررسی و تحلیل کرد.

در صورتی که قانون‌گذار تعریفی از یک واژه ارائه نکرده باشد - همچون بحث حاضر که در قانون تعریفی از نقض بیان نشده است - برای به دست آوردن تعریف به چند طریق می‌توان عمل کرد. نخست اینکه به وسیله جنس و فصل واژه را تعریف نمود. اشکال این شیوه این است که تعریف به جنس و فصل مربوط به ماهیات است و واژه نقض از اموری نیست که بتوان برای آن ماهیت فلسفی قائل شد؛ لذا نمی‌توان از این شیوه برای تعریف نقض استفاده کرد. دوم اینکه با مراجعه به متون قانونی و شمارش مصادیق بیان‌شده از یک واژه به تعریف مصداقی آن مبادرت ورزید. این شیوه می‌تواند به صورت قانونی یا پژوهشی باشد. اگر قانون‌گذار خود به جای تعریف به احصای مصادیق پردازد، بی‌نیاز از ارائه تعریف می‌شویم. نمونه این امر در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان به چشم می‌خورد. همان‌طور که می‌دانیم یکی از مفاهیم مهم در حوزه مالکیت ادبی و هنری واژه اثر است. قانون‌گذار به جای ارائه تعریف به ذکر مصادیق اکتفا کرده است. همین امر می‌تواند توسط محققان نیز صورت گیرد؛ یعنی محقق به جای ارائه تعریف از اصطلاحی اقدام به شمارش مصادیق آن کند. اشکال این شیوه آن است که در صورت عدم دقت در ارائه مصادیق، قابلیت توسعه بر مصادیق نوپدید وجود ندارد و واژه منحصر در مصادیق گفته‌شده خواهد بود؛ مگر آنکه بتوان از مصادیق گفته‌شده الغای خصوصیت کرد و افراد دیگر را نیز مشمول

تعریف دانست.

با مطالعه قوانین می‌توان از طریق شناخت مصادیق نقض به تعریف آن پرداخت. قانون ترجمه و تکثیر کتب در مواد ۲ و ۳ تکثیر و پخش غیر قانونی آثار و نسخه‌برداری از آنان را ممنوع اعلام کرده که مواردی از نقض حقوق مادی است. به نظر می‌رسد از آنجا که حقوق مادی پدیدآورنده به آنچه در قانون آمده است منحصر نمی‌شود، این شیوه تعریف درباره نقض کارآمد نیست.

سوم اینکه واژه به صورت شرح‌الاسمی تعریف شود. برای ارائه این گونه تعریف باید به کتاب لغات مراجعه کرد. نقض در لغت به معنی شکستن، ویران کردن و شکستن عهد و پیمان آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ۱۲۱۸). به نظر می‌رسد این شیوه تعریف نیز چندان معنی نقض را نشان نمی‌دهد؛ زیرا نقض مفهومی انتزاعی و اعتباری است و در هر جا به کار رود، معنی خاص خود را دارد؛ لذا نقض در قراردادها به معنی تخلف از مفاد قرارداد و در بحث حاضر به معنی نادیده گرفتن و زیر پا گذاشتن حقوق پدیدآورنده یا دارنده حق است.

با توجه به مجموعه مباحث گفته‌شده، می‌توان نقض را نادیده گرفتن حقوق صاحب حق دانست که با توجه به موقعیت‌ها و وضعیت‌ها صورت‌ها یا حتی نام‌های گوناگون دارد. در ادامه برای شناخت دقیق‌تر نقض به شرایط آن اشاره می‌شود.

۱.۲. شرایط نقض

برای تحقق و اثبات نقض حقوق پدیدآورنده سه شرط دسترسی، ارتباط سببی و همانندی ذکر شده که مربوط به حقوق مادی اوست. بررسی احراز این شرایط در نقض برخی از حقوق به دلیل وضوح آن با مشکلی همراه نیست، ولی در نقض برخی دیگر از حقوق با چالش و مشکل همراه است. برای مثال، در نقض حق تکثیر اثر پدیدآورنده یا حق نمایش اثر او، دسترسی، ارتباط سببی و همانندی میان اثر اصلی و آثار تکثیرشده وجود

دارد، ولی احراز این شروط مشکل نیست. این در حالی است که احراز این شروط در نقض حق اقتباس و تلخیص و تبدیل اثر با مشکلاتی همراه است؛ زیرا خواننده می تواند ادعا کند که اثر ایجادشده نتیجه ذوق و خلاقیت خود اوست و تشابه اثر او با اثر دیگری، نتیجه استفاده هر دو از منبع مشترک است.

۱.۲.۱. دسترسی^۱

هنگامی که ادعا می شود نقضی صورت گرفته است، پدیدآورنده اثر باید اثبات نماید که ناقض به اثر او دسترسی داشته است. اثبات دسترسی در آثار اظهار شده آسان است؛ زیرا همین که اثری اظهار شد، بیان گر در دسترس بودن آن اثر است. زمانی که اثر هنوز اظهار نشده، اثبات دسترسی مشکل است. یکی از راه های نشان دادن دسترسی در این حالت آن است که اثبات شود ناقض با شخص سومی مثلاً ویراستار که یک نسخه از اثر در دست اوست، ارتباط داشته است (Fishman, 2002: 243). البته باید توجه داشت که دسترسی مزبور باید به صورت غیر قانونی باشد؛ زیرا در بحث مالکیت های ادبی و هنری مواردی به چشم می خورد که شرایط حمایت از اثر وجود دارد و با توجه به آن، عمل انجام شده باید از منع قانونی برخوردار باشد، ولی به دلیل اینکه اثر مورد حمایت به طور قانونی در دسترس و اختیار دارنده قرار گرفته است، نقض حقوق مطرح نمی شود. یکی از این موارد، «تکثیر به منظور استفاده شخصی»^۲ است.

بر این اساس، اگر شخصی برای استفاده خصوصی خود اقدام به تکثیر یا نسخه برداری از اثر کند، مرتکب نقض نشده است. نکته ای که باید توجه کرد این است که در این موارد نباید بی اندازه و ناعادلانه برخورد کرد؛ بنابراین باید استفاده منصفانه باشد. معیار استفاده

1. Access.

2. Private use.

منصفانه این است که تکثیر به منظور اهداف تجاری صورت نگرفته باشد (Marett, 1996: 208 and Bainbridge, 2009: 48-49).

اما اگر استفاده شخصی منجر به استفاده جمعی گردد، باز هم می‌توان به این تجویز قانونی تمسک کرد؟ مانند اینکه هر یک از دانش‌آموزان با توسل به تکثیر شخصی یک نسخه از اثر تهیه کنند و هنگام کلاس درس از آن استفاده نمایند. به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد؛ زیرا در این حالت تکثیر جنبه خصوصی دارد، ولی متعدد است و موجب ضرر به پدیدآورنده می‌شود. به همین دلیل در قانون برخی کشورها آمده که استفاده باید جنبه خصوصی داشته باشد و هدف از آن نیز استفاده جمعی نباشد (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۷).

ماده ۱۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون در بند ۱ ماده ۲ (کتاب و رساله و جزوه و نمایش‌نامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری) و ضبط برنامه‌های رادیو و تلویزیونی را مشروط بر اینکه برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد، مجاز دانسته است.

تبصره ماده ۵ قانون ترجمه و تکثیر کتب نیز نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد ۲ و ۳ همین قانون را در صورت استفاده شخصی و خصوصی بلامانع اعلام کرده است. ماده ۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، تکثیر نرم‌افزار به طریق مجاز برای استفاده شخصی را مجاز اعلام کرده است. ماده ۳۳ و ۳۴ پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور جامع‌تری به بیان این مورد پرداخته است.

یکی دیگر از موارد دسترسی قانونی که موجب نقض حقوق پدیدآورنده نمی‌شود،

«تکثیر به منظور اهداف علمی و آموزشی»^۱ است که با هدف گسترش دانش و تشویق افراد جامعه به کسب علم و در راستای افزایش گنجینه معلومات بشری وضع شده است. این تکثیر توسط مؤسسات علمی و آموزشی غیر انتفاعی انجام می‌شود و چنانچه شخصی حقیقی برای تحقیق و پژوهش اقدام به تکثیر اثر کند، از موارد تکثیر به منظور استفاده شخصی خواهد بود. تفاوت این دو مورد در این است که استفاده‌کننده شخصی نمی‌تواند بیش از یک نسخه از اثر تهیه کند، ولی مؤسسات علمی و آموزشی می‌توانند به میزان نیاز به تکثیر اثر اقدام کنند.

ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان به این تجویز قانونی و شرایط آن تصریح کرده است. در ماده ۵ قانون ترجمه و تکثیر نیز نسخه‌برداری و تکثیر از کتب و نشریات و آثار صوتی به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز اعلام شده است. این تجویز نسبت به دسترسی قانونی نرم‌افزارهای رایانه‌ای ذکر نشده است. به نظر می‌رسد علت این امر عدم کاربرد نرم‌افزارها در امر آموزش و پژوهش است؛ زیرا نرم‌افزارها بیشتر جنبه کاربردی دارند. پیش‌نویس لایحه مذکور در ماده ۳۵، این مورد را بیان داشته است. در این ماده شرط استفاده از تجویز قانونی مور بحث، عدم امکان اخذ مجوز از سازمان مدیریت جمعی دانسته شده است. مطابق بند ۳۹ ماده ۱ این پیش‌نویس، «سازمان مدیریت جمعی»^۲ شخص حقوقی است که به نمایندگی از دارنده حق، مجوز استفاده از اثر را به دیگران اعطا می‌نماید. این سازمان نقش واسطه میان پدیدآورنده یا دارنده حق و استفاده‌کنندگان را ایفا می‌کند و این امکان را برای دارندگان فراهم می‌آورد که در مقابل چنین استفاده‌هایی که از آثار آنها صورت می‌گیرد، اجرت دریافت کنند

1. Use for the purpose of research.

2. Collective Management Organization.

(میرزایی، ۱۳۸۵: ۳).

سومین موردی که قانون دسترسی به اثر را مجاز و قانونی اعلام کرده، «تکثیر توسط کتابخانه‌ها و مؤسسات نگهداری منابع»^۱ است. معمولاً تجویز قانون جهت تکثیر آثار برای نگهداری در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد همان است که برای تکثیر اثر با اهداف علمی و آموزشی مقرر شده است. قوانین بسیاری از کشورها در کنار استفاده برای مقاصد آموزشی، مراکز اسناد و کتابخانه‌ها را نیز قرار داده‌اند. اداره این اماکن باید به صورت غیرانتفاعی باشد و تکثیر در راستای فعالیت آنها صورت پذیرد؛ بنابراین تکثیر باید در تعداد نسخ محدود باشد، به گونه‌ای که منافع مشروع پدیدآورنده یا دارنده حق آسیب نبیند.

ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان این مورد را در کنار تکثیر مربوط به اهداف علمی و آموزشی ذکر کرده است. پیش‌نویس لایحه مذکور نیز در ماده ۳۶ به این تجویز قانونی اشاره کرده است، با این تفاوت که بر اساس این ماده مراکز مزبور فقط حق تکثیر یک نسخه از اثر را دارند و آن‌هم زمانی است که امکان اجازه از سازمان مدیریت جمعی نباشد.

«نقل قول»^۲ را می‌توان یکی دیگر از موارد دسترسی قانونی شمرد. مطلبی که همه بر آن اذعان دارند، این است که علم ماهیت جمعی دارد؛ به گونه‌ای که فکر پدیدآورنده یک اثر به تنهایی در خلق آن نقش ندارد و استفاده از اثر پیشینیان بر کار او تأثیرگذار است، تا جایی که ارزش اثر او بر آگاهی و اطلاعات از اندیشه و افکار دیگران استوار است (امامی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۱۳).

استفاده از اثر دیگران نه تنها موجب کاهش ارزش و تنزل ارزش مقام علمی و قدر زحمات آنان نمی‌گردد، بلکه سبب استحکام و اعتبار آن نیز خواهد شد. بر همین اساس در

1. Libraries and archives.

2. Quotation.

قوانین کشورها اجازه داده شده که افراد بتوانند در حد متعارف در اثر خود مطالبی را از دیگران نقل کنند و نیازی به اجازه پدیدآورنده یا دارنده حق نباشد. آنچه در نقل قول اهمیت دارد، ذکر نام پدیدآورنده و منبع مورد استفاده است که هدف از آن حفظ حق معنوی حرمت نام می باشد. همچنین نقل قول باید از اثر منتشر شده باشد تا حق معنوی افشای اثر از تعرض مصون بماند.

ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان به این موضوع همراه با دو شرطی که ذکر شد، تصریح کرده است. تبصره این ماده ذکر مأخذ را در مورد جزوه هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می شود، الزامی ندانسته که مورد انتقاد بسیاری از حقوق دانان واقع شده است. پیش نویس لایحه مذکور نیز در ماده ۴۱ به نقل قول اشاره کرده است. موارد دیگری از دسترسی قانونی در پیش نویس لایحه مذکور ذکر شده که عبارتند از: تکثیر و پخش عمومی اثر به منظور اطلاع رسانی و تکثیر اثر برای استفاده اشخاص ناتوان و نمایش عمومی آثار.

۱.۲.۲. ارتباط سببی^۱

شرط دیگر تحقق نقض این است که پدیدآورنده اثبات نماید اثر خواننده برگرفته از اثر اوست؛ به این معنی که ارتباط علی میان اثر اول و اثر دوم باشد و بتوان گفت اثر دوم به طور اساسی وابسته به اثر اول است. مانند اینکه نیمی از اثر دوم عیناً از روی اثر اول کپی شده یا اینکه اثر دوم ترجمه اثر اول باشد (Cornish,1999: 414 and Bently&Sherman,2001: 158).

1. Causal connection.

۱.۲.۳. همانندی^۱

اثر ایجادشده باید شباهت اساسی به اثر اصلی داشته باشد. مانند اینکه در اثر دوم همان اشتباهی که پدیدآورنده اثر اول مرتکب شده است، تکرار شود. این نشان می‌دهد پدیدآورنده اثر دوم دقیقاً از اثر اول اقتباس کرده است (Ibid: 159). لذا اگر اثر دوم تفاوت‌های فراوانی با اثر اول داشته باشد، نمی‌توان گفت از اثر اول اقتباس شده است. به عنوان مثال، داستانی درباره سه بیمار که یکی از آنها به پنجره بیرون از اتاق اشراف دارد، نوشته می‌شود. اگر کسی فیلمی بسازد که زمینه آن همچون داستان مذکور است، ولی گفتگوها و جریان فیلم با آنچه در داستان می‌گذرد متفاوت باشد، نمی‌توان گفت میان فیلم ساخته‌شده و داستان شباهت اساسی وجود دارد. لذا این فیلم اقتباس از داستان مذکور محسوب نمی‌شود (Sterling, 2002: 508).

۲. حقوق مادی و نقض آن

همان‌طور که گفته شد، فعل زیان‌بار در مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به آفرینش‌های ادبی و هنری، نقض حقوق پدیدآورنده است. لذا برای شناخت نقض باید حقوق مادی به طور عام و هر یک از این حقوق به طور خاص، مورد بررسی قرار گیرد.

حقوق مادی، حقوقی است که بر اساس آن دارنده می‌تواند از اثر بهره مادی ببرد. این حقوق، انحصاری بوده و دارنده می‌تواند دیگران را از ارتکاب برخی اعمال نسبت به اثر باز دارد (میرحسینی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۹۴). مراد از دارنده ابتدا شخص پدیدآورنده و سپس کسی است که این حقوق از طرف پدیدآورنده به او منتقل شده است. به این معنا که اولاً و بالذات این حقوق به پدیدآورنده اختصاص دارند، ولی در صورتی که وی مایل باشد می‌تواند آنها را به ازای مال یا مجانی به دیگری انتقال دهد. زمانی که این حقوق انتقال پیدا

1. Similarity.

کرد، به طور انحصاری در اختیار منتقل الیه قرار می‌گیرد. البته باید متذکر شد، زمانی که اثر ادبی و هنری به سفارش دیگری خلق می‌شود یا خالق اثر در اجاره خدمات دیگری است، سفارش‌دهنده یا مستأجر اولین دارنده اثر محسوب می‌شوند (Marett, op. cit: 40-42).

۲.۱. ویژگی‌های حقوق مادی

موضوع این نوشتار نقض حقوق مادی آثار ادبی و هنری است، ولی از آن جهت که بررسی نقض حقوق مادی مستلزم شناخت ویژگی‌های این حقوق است، مناسب دیده شد به طور خلاصه ویژگی‌های حقوق مادی و قلمرو آن‌ها مورد اشاره قرار گیرد. این حقوق همانند حقوق مالی متعلق اموال مادی قابلیت انتقال به دیگران را دارند. این انتقال ممکن است ارادی یا غیر ارادی باشد. انتقال ارادی به معنی این است که پدیدآورنده حقوق مادی خود را از طریق یکی از عقود به دیگران واگذار کند. گفتنی است که چنانچه پدیدآورنده بخواهد حقوق مادی خود را از طریق وصیت انتقال دهد، باید ماده ۸۴۳ ق.م.مورد توجه قرار گیرد. لذا اگر ارزش مادی این حقوق مازاد بر ثلث ترکه باشد، نفوذ وصیت منوط به اجازه وراثت خواهد بود. ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و قسمت دوم ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، به شیوه ارادی انتقال تصریح کرده‌اند.

انتقال غیر ارادی (قهری) از طریق ارث صورت می‌گیرد، به این معنا که این حقوق با مرگ پدیدآورنده به ورثه او انتقال می‌یابد. امکان انتقال حقوق مادی از طریق ارث در ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و نیز عبارت دوم قسمت اول ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب به صراحت پیش‌بینی شده است. چنین تجویز قانونی درباره آثار نرم‌افزاری وجود ندارد؛ با این حال در انتقال حقوق مادی نرم‌افزارها از طریق ارث نباید تردید کرد؛ زیرا این حقوق، حق مالی می‌باشند و مطابق فرمایش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) «هر کس

مالی را به عنوان ترکه باقی گذاشته باشد، متعلق به ورثه اوست».^۱ مقررات قانون مدنی در باب ارث نیز مؤید همین معناست.

یکی دیگر از ویژگی‌های حقوق مادی پدیدآورنده، موقتی بودن آن است. به این معنا که با گذشت مدتی، حقوق پدیدآورنده زائل می‌شود و هرکس می‌تواند با حفظ حقوق معنوی پدیدآورنده از آن بهره مادی ببرد. مطابق قوانین فعلی مربوط به مالکیت ادبی و هنری مدت حمایت از آثار ادبی و هنری تا پنجاه سال پس از فوت پدیدآورنده است. در برخی از آثار، این مدت از تاریخ نشر یا عرضه اثر آغاز می‌شود (ماده ۱۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان). در خصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای این تاریخ از زمان پدیدآمدن نرم‌افزار شروع می‌شود.

۲.۲. قلمرو حقوق مادی

کشورها موارد متفاوتی را به عنوان مصادیق حقوق مادی پدیدآورنده ذکر کرده‌اند. در حقوق ایران از مجموع مواد ۳ و ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب، ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیر فهمیده می‌شود که حقوق مادی پدیدآورنده به طور کلی شامل حق نشر و تکثیر، حق توزیع (پخش)، حق اقتباس، تلخیص و تبدیل و حق اجرای عمومی

۱. عن علی (علیه السلام) أنه قال: «ما كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) ينزل من منبره إلا قال: من ترك مالا فلورثته و من ترك ديناً أو ضياعاً فعلى». گفتنی است که این روایت در باب مربوط به شخص بدون وارث آمده؛ لذا مراد از ورثه معصوم نیز است. ر.ک: القاضی النعمان المغربي، دعائم الاسلام، ج ۲، دارالمعارف، الطبعة الثانية، قاهره، بی تا، ص ۳۹۱، حدیث: ۱۳۸۶؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، مؤسسة آل البيت، الطبعة الثانية، بیروت، ۱۴۰۹ق، ص ۲۰۷، حدیث: ۲۱۱۵۸. مشابه چنین روایتی از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است. ر.ک: محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلبینی، الفروع من الکافی، ج ۷، تعلیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۶۸، باب من مات و لیس له وارث، حدیث: ۱؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الثانية، قم، ۱۴۱۴، ص ۲۵۱، حدیث: ۳۲۹۴۳.

(نمایش) می‌باشد. مطابق تبصره ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، حق جایزه و پاداش نیز متعلق به پدیدآورنده است.^۱ بر اساس ماده ۱۷ پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری، حق اجاره و عاریه عمومی نیز در زمره حقوق مادی پدیدآورنده محسوب شده است. لذا چنین می‌توان نتیجه گرفت که حقوق مادی محدود و منحصر به آنچه ذکر شد، نیست.

برخی از کشورها «حق فروش مجدد آثار هنری»^۲ را یکی از حقوق مادی قلمداد کرده‌اند. بر اساس این حق، پدیدآورنده یا وراث او در قیمت فروش مجدد آثار هنری خود، شریک بوده و سهمی از آن می‌برند (Sterling, op. cit: 366).

لازم به ذکر است که مجموعه حقوق مادی ممکن است با هم یا مستقل از هم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. به عبارت دیگر این حقوق قابل تجزیه است. به عنوان مثال، مؤلف داستان می‌تواند به شخص معینی حق چاپ و توزیع آن و به شخص دیگری حق تبدیل آن به فیلم سینمایی را بدهد (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱: ۱۵۴). به طور طبیعی این مسئله در نقض این حقوق نیز جریان دارد، به گونه‌ای که ممکن است بر یک اثر، حق نشر و تکثیر و حق اقتباس و تلخیص و تبدیل توسط اشخاص مختلف نقض شوند.

۲.۳. نقض حقوق مادی

برای بررسی چگونگی نقض حقوق مادی لازم است هر یک از این حقوق را که نقض نسبت به آن صورت می‌گیرد مورد مطالعه قرار داد. زیرا شناخت هرچه بهتر این حقوق، ما

۱. برخی معتقدند این حق در زمره حقوق معنوی پدیدآورنده می‌باشد. ر.ک: صمد حضرتی، «مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۷۳-۱۷۴.

2. Artist's resale right.

را در بررسی نقض آنها یاری می‌کند. از این رو در ادامه هریک از این حقوق پیش از بررسی نقض آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲.۳.۱. نقض حق تکثیر^۱

برای شناخت این حق، ابتدا باید تکثیر را تعریف کرد. برخی از نویسندگان نشر و تکثیر را عملی توصیف کرده‌اند که «منجر به ساختن یا تهیه نمونه‌های دیگر از اثر اصلی می‌شود، از جمله ضبط مکانیکی بر روی نوارهای ضبط صوت، صفحات موسیقی، نوارهای ویدئویی، چاپ و افست کتاب، عکاسی، گراور، کلیشه، قالب‌ریزی، تهیه نگاتیوها، فیلم‌های سینمایی، انتقال بر روی دیسک‌های کامپیوتری و میکروفیلم و نظایر آن» (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۲۵). با توجه به این تعریف، حق پدیدآورنده در انجام هر یک از اعمال فوق و جلوگیری دیگران از ارتکاب آنها، حق تکثیر می‌باشد. افزون بر این، مطابق برخی نظام‌های حقوقی که حقوق مرتبط را پذیرفته‌اند، حقوقی مانند اجرای هنرمندان نیز با تکثیر مرتبط خواهد بود و در صورت اجرای بدون مجوز، نقض حق محقق می‌شود.

پدیدآورنده می‌تواند با اعمال این حق به طور مستقیم یا با واگذاری آن به دیگری منافع مالی به دست آورد. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که آثار ادبی و هنری باید در یک قالب مادی و فیزیکی تجسم پیدا کنند. زمانی که قالب مادی اثر به کسی انتقال یافت، او فقط می‌تواند از همان قالب مادی اثر هرگونه بهره‌ای ببرد. مثلاً آن را عاریه و یا به اجاره در اختیار دیگری قرار دهد. ولی نمی‌تواند عملی که موجب تکثیر اثر شود انجام دهد، مگر آنکه این حق به موجب قرارداد به او واگذار شده باشد. علت این حکم آن است که بُعد معنوی و فکری اثر از بُعد مادی آن جداست. آنچه را مشتری بر آن سلطه دارد، جنبه مادی اثر است که به او منتقل شده است و سلطه بر جنبه مادی مستلزم سلطه بر جنبه

1. Reproduction right.

فکری اثر نیست (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷: ۵۲).

برخی کشورها همچون فرانسه نشر و تکثیر اثر را به صورت وسیع و گسترده مطرح می‌کنند تا جایی که حقوق مادی دیگر همچون حق اقتباس و تبدیل، حق توزیع و حق اجاره و عاریه عمومی را در ضمن این حق قرار می‌دهند. در مقابل، بسیاری از کشورها حقوق مادی دیگر را از حق تکثیر متمایز می‌دانند (Ibid: 368).

ممکن است گفته شود دیدگاه فرانسویان به واقع نزدیک‌تر است، زیرا نقض هر یک از حقوق مادی زمانی بر وضعیت پدیدآورنده تأثیرگذار است که به نشر و تکثیر منجر شود. به عنوان مثال، وقتی اقتباس و تبدیل غیر مجاز از اثر پدیدآورنده صورت می‌گیرد یا اثر دیداری - شنیداری یا شنیداری پدیدآورنده‌ای به طور غیر مجاز در حامل‌های رایانه‌ای مانند CD یا DVD قرار می‌گیرد، تا وقتی که به تکثیر و نشر نرسند یا به شکل قابل دسترسی در فضای مجازی گذاشته نشوند، زیانی برای پدیدآورنده به دنبال ندارد. با این حال جدا دانستن هر یک از حقوق مادی منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ چه آنکه مواردی وجود دارد که نشر و تکثیر به طور قانونی توسط پدیدآورنده یا نماینده وی صورت گرفته، ولی توزیع آثار تکثیر شده صورت نگرفته است. در این حالت اگر کسی بدون اذن پدیدآورنده آثار تکثیر شده را توزیع نماید، حق نشر و تکثیر او مورد نقض قرار نگرفته و فقط حق توزیع نقض شده است.

حق تکثیر به صراحت در قوانین مرتبط با مالکیت ادبی و هنری مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، یکی از حقوق انحصاری پدیدآورنده را حق نشر (تکثیر) دانسته است. نظیر این مقرر در ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای تکرار شده است. ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیر نیز به حق نشر (تکثیر) به عنوان یکی از حقوق مادی پدیدآورنده اشاره کرده است. قانون ترجمه و تکثیر

کتاب در ماده ۱ خود حق تکثیر اثر ترجمه را در اختیار مترجم قرار داده است. همچنین مطابق ماده ۲ و ۳ همین قانون، تکثیر کتب و نشریات و نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی بدون اجازه صاحبان حق ممنوع اعلام شده است که بر شناسایی حق تکثیر در خصوص این آثار دلالت دارد.

حق تکثیر مهم‌ترین و بیشترین حقی است که نقض می‌شود. هر عملی که بدون اذن پدیدآورنده موجب تکثیر اثر او شود، نقض محسوب شده و موجب مسئولیت مدنی ناقض می‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه پدیدآورنده از طریق نشر و تکثیر اثر او بهره اقتصادی ببرد. میزان تکثیر اثر ملاک نقض این حق نیست. آنچه مورد توجه است، تجاری بودن هدف تکثیر می‌باشد. لذا اگر کسی مجسمه متعلق به دیگری را به منظور اهداف تجاری و بدون اجازه او در دو قالب تکثیر نماید، حق تکثیر پدیدآورنده را نقض کرده است. البته حق تکثیر پدیدآورنده مطلق نیست و قانون‌گذار بنا به مصالحی استثنائاتی برای آن بیان داشته است. از این‌رو شناسایی نقض حق تکثیر با موارد استثنای این حق ملازمه دارد، به این معنی که خارج از موارد استثنا شده توسط قانون‌گذار باید به دنبال نقض حق مذکور بود.

نقض این حق ممکن است همراه با نقض حقوق مادی یا معنوی دیگر باشد. مانند اینکه اثری پس از تحریف، تکثیر شود و یا اینکه اثری تلخیص و ترجمه و سپس منتشر شود. لذا در نقض حقوق پدیدآورنده ممکن است چندین حق با هم تداخل کنند و همه آنها مورد نقض واقع شوند (Ibid: 514-515). البته این مسئله به قلمرو حق تکثیر مربوط می‌شود. اگر بسیاری از حقوق مادی پدیدآورنده مثل حق تبدیل اثر، حق اجاره و عاریه عمومی و حق توزیع را مشمول حق تکثیر بدانیم، صحبت از تداخل حق‌ها نمی‌شود؛ ولی اگر هر یک از این حقوق مستقلاً برای پدیدآورنده لحاظ شوند، می‌توان از تداخل حق‌ها سخن گفت (Ibid: 368).

نقض حق تکثیر در کشورهای تابع نظام کامن لا محدود به شخصی که به چنین امری اقدام می‌کند، نیست. این کشورها کسانی را هم که به دیگران اجازه انجام عمل نقض می‌دهند، ناقض محسوب می‌کنند؛ چنان که در آمریکا ممکن است خواننده به دلیل نقض مشارکتی^۱ یا نیابتی^۲ محکوم شود. مثلاً کسی که با توجه به محدودیت‌ها و استثنائات قانونی می‌تواند از اثری کپی تهیه نماید، به دیگری اجازه دهد از طرف او اقدام به تکثیر اثر کند. قانون این کشورها نه تنها شخصی که به چنین کاری مبادرت می‌ورزد، ناقض قلمداد می‌کند، بلکه کسی که اجازه چنین امری داده است نیز ناقض محسوب می‌شود. همچنین کسی که به دیگری دستگاه تکثیر فروخته است، به گونه‌ای که خریدار می‌تواند از آن در تکثیر غیر مجاز استفاده کند یا در مکان‌هایی که امکان تکثیر غیر قانونی وجود دارد چنین دستگاهی قرار دهد، اگرچه مستقیماً اثر مورد حمایت را تکثیر نکرده است، ولی به دلیل مشارکت و اجازه در انجام عمل نقض، ناقض محسوب می‌شود (Ibid: 511-512). این سخن در جایی که آثار تکثیر شده غیر قانونی توسط دیگری به فروش می‌رسد نیز مطرح می‌شود که هنگام مطالعه حق توزیع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هر کس حق تکثیر پدیدآورنده را بدون مجوز قانونی نقض کند، مسئولیت مدنی دارد. مبنای این مسئولیت اتلاف است؛ زیرا نقض با این کار، اثر فکری پدیدآورنده را که ارزش مالی دارد، تلف کرده است. تلف مذکور به صورت کاهش ارزش و مالیت است؛ به این معنا که پس از نشر و تکثیر بدون مجوز اثر، دیگران مایل به پرداخت پول به ازای دریافت امتیاز نشر آن نیستند و این امر موجب زیان پدیدآورنده می‌شود. همچنین می‌توان شخصی را که بدون اذن پدیدآورنده اقدام به نشر و تکثیر اثر کرده است، غاصب قلمداد کرد؛ زیرا

1. Contributory infringement.

2. Vicarious infringement.

تکثیر اثر موجب استیلا بر آن می‌شود و چنانچه بدون اذن پدیدآورنده صورت گیرد، استیلا بر غیر قانونی بر مال غیر خواهد بود. منظور از استیلا بر اثر، استیلا بر قالب فیزیکی که اثر فکری در آن تجسم پیدا کرده نیست، بلکه استیلا بر خود اثر فکری است.

آنچه درباره نقض‌های مشارکتی و نیابتی در حقوق کشورهای کامن‌لا آمده است، به طور عام در حقوق ایران قابل پذیرش نیست و باید هر مورد به طور مستقل تحلیل گردد. از همین رو شاید بتوان فرضی را که خود شخص مجاز به تکثیر است و به دیگری اجازه می‌دهد که از طرف او اثر را تکثیر کند، در حقوق ایران پذیرفت و شخص اجازه دهنده را ناقض قلمداد کرد؛ زیرا زمانی که اشخاص توسط قانون مجاز به استفاده می‌شوند، باید شخصاً از آن بهره ببرند و نمی‌توانند آن را به دیگران واگذار نمایند. این فرض شبیه جایی است که وکیل در امری حق توکیل غیر را ندارد و چنانچه انجام مورد وکالت را به دیگری واگذار نماید، تخلف کرده و مسئولیت پیدا می‌کند. در مقابل، نمی‌توان گفت با فروش دستگاه‌های تکثیر یا قرار دادن این دستگاه‌ها در مکان‌هایی که امکان تکثیر وجود دارد، فروشنده و نصب‌کننده ناقض محسوب می‌شوند؛ زیرا این وسایل برای استفاده مشروع و قانونی به خریدار فروخته یا در چنین مکانی نصب شده است و استفاده نامشروع از آن به فروشنده یا نصب‌کننده آن ارتباطی ندارد. لذا این افراد زمانی ناقض محسوب می‌شوند که مستقیماً در انجام عمل نقض دخالت داشته باشند. ممکن است گفته شود نقض حق تکثیر پدیدآورنده عملی حرام است و کسی نیز که مقدمات انجام عمل حرام را برای دیگری فراهم می‌نماید، به دلیل اعانه بر اثم مرتکب عمل حرام شده است؛ لذا هر دو آنها مسئول نقض می‌باشند.

به نظر می‌رسد این استدلال کامل نباشد؛ زیرا یکی از شروط اساسی تحقق مفهوم اعانه این است که مُعین بر ارتکاب عمل حرام توسط دیگری علم داشته باشد و در صورتی که

این گونه نباشد، اعانه بر اثم حرام نخواهد بود، زیرا علم شرط تنجّز حرمت است. از طرفی ممکن است گفته شود اساساً اعانه بر اثم جز در موارد منصوص حرام نیست؛ زیرا از آیه شریفه «و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان» (سوره مائده، آیه ۲) فهمیده می‌شود که تعاون بر اثم حرام است و نه اعانه بر آن. لذا حتی در صورتی که فروشنده یا نصب‌کننده علم به ارتکاب عمل حرام نقض توسط دیگران داشته باشد، فقط مرتکب اعانه بر اثم شده که حرام نیست (ر.ک: روحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۲۰۴).

۲.۳.۲. نقض حق توزیع^۱

این حق که در همه آثار ادبی و هنری وجود دارد به پدیدآورنده اجازه می‌دهد که آثار تکثیرشده را به عموم عرضه کند و به آنها جنبه تجاری ببخشد. همان‌طور که گفته شد، این حق در بسیاری از کشورها متمایز از حق نشر و تکثیر است؛ لذا پدیدآورنده می‌تواند به ناشری مجوز نشر هزار نسخه از اثر خود را بدهد، ولی توزیع آنها را به شخص دیگری واگذار کند یا مطابق قرارداد از ناشر بخواهد که آثار را در انبار خود نگه دارد و در زمانی که او اعلام می‌کند، اقدام به توزیع آنها نماید (Ibid: 370).

حق توزیع در میان حقوق انحصاری پدیدآورنده دارای ویژگی خاصی است. زمانی که پدیدآورنده اجازه توزیع آثار تکثیرشده را بدهد، دیگر نمی‌تواند نسبت به آنچه توزیع شده و در چرخه اقتصاد قرار گرفته اعمال نظر کند. این مطلب در حقوق آمریکا زیر عنوان «نظریه اولین فروش»^۲ مطرح می‌شود. بر اساس این نظریه رضایت پدیدآورنده در پخش اثر فقط برای اولین توزیع ضروری است و زمانی که این اجازه داده شد، حق توزیع او نسبت به همان اثر توزیع‌شده از بین می‌رود و دارنده اثر می‌تواند هرگونه تصرفی که منافی دیگر

1. Distribution right.

2. First sale doctrine.

حقوق پدیدآورنده نباشد، انجام دهد.

زوال حق توزیع در سه حوزه ممکن است مطرح شود. گاهی زوال این حق در قلمرو داخلی کشورهاست؛ به این معنی که اثر توزیع شده در یک کشور حق توزیع اثر را در آن کشور از بین می‌برد. زوال حق توزیع در حوزه داخلی مورد پذیرش همه کشورها می‌باشد. گاهی زوال حق توزیع در یک منطقه صورت می‌گیرد. این فرض زمانی است که کشورهای یک منطقه توافق کنند اگر اثری در یکی از آن کشورها به فروش رفت، حق توزیع اثر مذکور در تمام آن منطقه از بین برود. زوال حق توزیع در حوزه منطقه‌ای مورد پذیرش کشورهای منطقه تجاری اروپا^۱ است. گاهی زوال حق توزیع در عرصه بین‌المللی مطرح می‌شود؛ به این معنی که وقتی اثری در یک کشور دنیا مورد فروش و عرضه واقع شود، حق توزیع آن اثر در تمام کشورهای دنیا از بین می‌رود. در حال حاضر این حوزه از زوال حق توزیع مورد پذیرش حقوق کشورها نیست (Ibid).

ممکن است پرسیده شود اگر حق توزیع در اولین فروش از بین می‌رود، چگونه می‌توان آن را به عنوان یکی از حقوق مادی با ارزش در نظر گرفت؟ در پاسخ باید گفت: نظریه اولین فروش فقط درباره آثاری که به طور قانونی تکثیر و توزیع شده‌اند، جریان دارد. لذا اگر اثری بدون اجازه دوباره چاپ شود و نسخه‌های چاپ شده پخش شوند، حق توزیع قابل استناد خواهد بود و می‌توان بر اساس آن، توزیع کتاب‌های مذکور را در کتاب‌فروشی‌ها متوقف کرد (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب، پخش اثر را یکی از حقوق انحصاری پدیدآورنده قلمداد کرده است. به علاوه ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای از حق عرضه به عنوان یکی از

1. European Economic Area (EEA).

حقوق مادی پدیدآورنده نرم‌افزار نام برده است که با توجه به تعریف آن در ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی مذکور، از آن حق توزیع یا پخش نرم‌افزار استنباط می‌شود. به موجب این ماده عرضه عبارت است از: «ارائه نرم‌افزار برای استفاده شخص یا اشخاص معین در زمان یا مکان محدود و برای بهره‌برداری مشخص».

حق توزیع ممکن است به تنهایی یا همراه با حقوق دیگر نقض شود. نقض حق توزیع به تنهایی گاهی به صورت قراردادی و گاهی غیر قراردادی است. نقض قراردادی موردی است که پدیدآورنده برای نشر اثر خود با ناشری قرارداد می‌بندد و در ضمن قرارداد شرط می‌کند که هر زمان او دستور داد ناشر اثر را توزیع کند. اگر در این فرض ناشر بدون اطلاع پدیدآورنده اقدام به توزیع آثار تکثیر شده نماید، حق توزیع پدیدآورنده نقض شده است. نقض غیر قراردادی موردی است که پدیدآورنده خود، اثر را تکثیر کند و در انباری نگهداری نماید تا در زمان مناسب آن را توزیع کند. چنانچه کسی بدون اذن او آثار را پخش کند حق توزیع پدیدآورنده را نقض کرده است. همچنین در صورت اخیر اگر پدیدآورنده اثر خود را برای چاپ به مؤسسه‌ای بسپرد و کارمند او تعدادی از آثار را به فروش برساند، حق توزیع پدیدآورنده نقض شده است (Bainbridge, op. cit: 160).

حق توزیع گاهی همراه با حقوق مادی دیگر نقض می‌شود. از میان حقوق مادی معمولاً حق نشر و تکثیر همراه با حق توزیع نقض می‌شود؛ مثلاً اثری بدون اذن پدیدآورنده مجدداً چاپ و توزیع می‌شود.

اگر حق توزیع به دلیل تخلف از مفاد قرارداد نقض شود، ناقض مسئولیت قراردادی دارد و اگر بدون وجود قرارداد این حق مورد نقض قرار گیرد و از این طریق ضرری به پدیدآورنده وارد شود، ناقض مسئولیت مدنی خواهد داشت که باید خسارت وارده را جبران کند.

پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که اگر اثری بدون اذن پدیدآورنده تکثیر و در مراکزی توزیع شود و سپس به فروش برسد، آیا فروشندگان اثر مذکور در زمره ناقضین حقوق پدیدآورنده قرار می‌گیرند؟

حقوق کشورهای تابع نظام کامن‌لا به این پرسش به طور مشروط پاسخ مثبت می‌دهند. قوانین این کشورها برخی از موارد نقض کپی‌رایت را با شرایط خاصی زیر عنوان «نقض ثانویه»^۱ قرار می‌دهند. اگرچه در قوانین آنها فقط از اصطلاح نقض ثانویه نام برده شده است، همه نویسندگان این اصطلاح را در مقابل اصطلاح «نقض اولیه»^۲ قرار داده‌اند.

با توجه به این مطلب، نقض اولیه زمانی واقع می‌شود که کسی یکی از اعمالی را که موجب نقض حقوق پدیدآورنده یا دارنده حق است، انجام دهد. مثلاً اثر مورد حمایت را بدون مجوز قانونی تکثیر یا ترجمه کند یا آن را اجاره و عاریه دهد. در این نقض، آگاهی یا عدم آگاهی ناقض از مورد حمایت بودن اثر مطرح نمی‌شود و ناقض در هر صورت مسئول است. البته در صورتی که ناقض به مورد حمایت بودن اثر آگاه نباشد و شرایط آگاهی نیز فراهم نباشد، پدیدآورنده یا دارنده حق نمی‌توانند از ناقض، خسارت دریافت کنند، ولی ناقض باید عمل نقض را متوقف کند (Elias and Stim, 2004: 78).

نقض ثانویه به دو صورت محقق می‌شود. گاهی پس از انجام نقض توسط ناقض، دیگری به او کمک می‌کند. مثلاً کتاب‌فروشی اثری را که بدون اذن پدیدآورنده یا دارنده حق، چاپ شده است در معرض فروش می‌گذارد یا مغازه‌ای سی‌دی‌های فیلمی را که به طور غیر قانونی تکثیر شده، به دیگران اجاره یا عاریه می‌دهد. گاهی پیش از ارتکاب عمل نقض توسط ناقض شخصی اسباب و مقدمات آن را فراهم می‌کند. به عنوان مثال، خانه خود

1. Secondary infringement.

2. Primary infringement.

را به کسی اجاره می‌دهد و مستأجر در آن اقدام به نمایش فیلم بدون اذن پدیدآورنده یا دارنده حق می‌کند یا دستگاه تکثیر خود را به کسی اجاره یا عاریه می‌دهد و او اقدام به تکثیر غیر مجاز کتاب می‌کند. (Marie Mooney Cotter, 2003: 90) برای اینکه شخص به دلیل نقض ثانویه ناقض محسوب شود، وجود دو شرط ضروری است. نخست اینکه شخص مزبور به منظور فعالیت تجاری اقدام به چنین کاری نماید. لذا اگر کسی چند عدد سی‌دی که بدون مجوز تکثیر شده‌اند، برای استفاده شخصی یا خانوادگی خود به کشور وارد کند، ناقض محسوب نمی‌شود. این شرط با یک استثنا روبروست و آن زمانی است که عمل شخص جنبه تجاری ندارد، ولی به گونه‌ای است که منافع پدیدآورنده یا دارنده حق را به خطر می‌اندازد. در این حالت نیز نقض ثانویه محقق می‌شود. از این رو همان شخصی که برای استفاده شخصی یا خانوادگی خود چند عدد سی‌دی بدون مجوز وارد کرده بود، اگر آنها را هنگام تعطیلات میان دوستان خود توزیع کند مرتکب نقض ثانویه شده است (Ibid: 91). دوم اینکه لازم است شخص نسبت به اثر نقض شده یا ارتکاب عمل نقض آگاهی داشته باشد. به این معنی که وقتی اثر تکثیر شده را به فروش می‌رساند یا آن را اجاره و عاریه می‌دهد، بداند که این اثر بدون رضایت پدیدآورنده یا دارنده حق به چاپ رسیده است یا هنگامی که دستگاه تکثیر خود را اجاره می‌دهد، بداند که مستأجر قصد دارد به وسیله آن تکثیر غیر قانونی انجام دهد (Hart, Fazzani & Clark, 2006: 187-188). چنانچه یکی از این دو شرط وجود نداشته باشد، شخص کمک‌کننده یا فراهم‌کننده اسباب و مقدمات ناقض محسوب نمی‌شود.

آنچه بیشتر مطابق با اصول مسئولیت مدنی در حقوق ایران می‌باشد، این است که زیان گاهی توسط مباشر و گاهی به وسیله سبب ایجاد می‌شود. آنچه موجب مسئولیت مدنی مباشر یا سبب می‌شود، اسناد زیان به هر یک از آن دو است. اکنون باید دید آیا علم و جهل

در برقراری رابطه سببیت میان زیان و عامل زیان مؤثر است؟ آیا می‌توان گفت زیانی که توسط شخص عالم به واقع ایجاد شده به او اسناد دارد و زیانی که توسط شخص جاهل به واقع ایجاد شده به او اسناد ندارد؟

پاسخ این پرسش‌ها، پاسخ به پرسشی است که پیش از این مطرح شد که آیا افرادی که آثار تکثیر شده بدون مجوز را به فروش می‌رسانند یا اجاره و عاریه می‌دهند، ناقض محسوب شده و مسئولیت مدنی دارند؟

چنانچه عامل زیان عالم به واقع باشد، به طور قطع رابطه سببیت میان زیان و او برقرار است. لذا زمانی که فروشنده یا اجاره و عاریه‌دهنده اثر آگاه به تکثیر بدون مجوز اثر باشند و با این حال اقدام به فروش، اجاره یا عاریه اثر نمایند، می‌توان آنان را ناقض و دارای مسئولیت مدنی قلمداد کرد. مبنای مسئولیت آنان اتلاف مشتری است که با نقض حق نشر و تکثیر صورت گرفته است. زیرا کاهش ارزش اثر پدیدآورنده در نتیجه عمل مشترک کسانی است که اثر را بدون اذن او تکثیر و سپس توزیع کرده‌اند؛ چه آنکه تکثیر اثر بدون توزیع آن، ضرری به پدیدآورنده وارد نمی‌کند.

چنانچه عامل زیان جاهل به واقع باشد باید میان دو صورت تفکیک کرد. گاهی جاهل او ناشی از عوامل درونی و شخصی می‌باشد. در این حالت نمی‌توان جاهل او را مانع مسئولیت مدنی وی دانست. لذا شخصی که گمان می‌کند آثار تکثیر شده توسط دیگری که برای فروش، اجاره یا عاریه به او داده می‌شود، به دلیل رابطه دوستی تکثیرکننده با پدیدآورنده همراه با اذن در تکثیر و توزیع می‌باشد و با این تصور اقدام به توزیع آثار تکثیر شده نماید، ناقض بوده و همچون فرض قبل، مسئولیت مدنی خواهد داشت.

گاهی جاهل عامل زیان در نتیجه اغوا و فریب دیگری است و در واقع منشأ بیرونی دارد. در این فرض باید دید آیا غرور باعث از بین رفتن رابطه سببیت می‌شود، به گونه‌ای که گفته

شود فروشنده یا اجاره و عاریه‌دهنده اثر تکثیرشده بدون مجوز، به دلیل غرور ناقض نبوده و مسئولیت مدنی ندارد.

این فرض به چند صورت ممکن است پاسخ داده شود. نخست آنکه گفته شود مباشر به دلیل غرور ضعیف بوده و مسئولیتی ندارد و همه مسئولیت متوجه سبب اقوی می‌باشد (حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۷۶۹). با این تحلیل، شخصی که با ظاهرسازی و فریب دیگری اثر تکثیرشده بدون مجوز را به فروش می‌رساند یا اجاره و عاریه می‌دهد، ناقض نبوده و مسئولیت مدنی ندارد و فقط شخصی که اثر را بدون اذن پدیدآورنده یا دارنده حق تکثیر کرده است، به دلیل اتلاف مسئولیت مدنی دارد.

البته باید دقت کرد که ناقض حق نشر و تکثیر به دلیل استیلای نامشروع بر مال پدیدآورنده یا دارنده حق غاصب می‌باشد؛ لذا با انتقال آثار تکثیر شده که اثر فکری در آن تجسم پیدا کرده است به دیگری او نیز غاصب محسوب می‌شود و ضامن است و فریب و اغوای او تأثیری در ضمان وی ندارد. طبیعی است در صورت محکوم شدن توزیع کننده به دلیل غصب، او می‌تواند به ناقض حق نشر و تکثیر مراجعه کند.

دیگر آنکه گفته شود مباشر در هر صورت به دلیل اتلاف مسئولیت مدنی دارد؛ زیرا اتلاف به او نیز استناد دارد، به خصوص اینکه وی از این کار نفع مالی نیز کسب می‌کند، ولی پس از جبران خسارت می‌تواند به دلیل قاعده غرور به غار مراجعه نماید (نجفی، ۱۳۹۴ق: ج ۲۷، ص ۱۶۶). با این تحلیل، شخص توزیع کننده ناقض محسوب می‌شود و همراه با ناقض حق نشر و تکثیر به دلیل اتلاف مشترک مسئولیت مدنی خواهد داشت، ولی به دلیل قاعده غرور می‌تواند به میزانی که محکوم به جبران خسارت می‌شود، به ناقض حق نشر و تکثیر که او را فریب داده، رجوع کند.

تفاوت میان دو دیدگاه روشن است. بر اساس دیدگاه اول، پدیدآورنده یا دارنده حق

برای دعوی مسئولیت مدنی باید مستقیماً علیه سبب اقوی، ناقض حق نشر و تکثیر، اقامه دعوا کند، مگر آنکه دعوی خود را بر مبنای غضب مطرح نماید. مطابق دیدگاه دوم، ناقض حق نشر و تکثیر و ناقض حق توزیع مشترکاً مسئولیت مدنی داشته و طرف دعوا قرار می‌گیرند، ولی مسئولیت نهایی متوجه ناقض حق نشر و تکثیر بوده و ناقض حق توزیع پس از پرداخت میزان خسارتی که محکوم شده به ناقض حق نشر و تکثیر مراجعه می‌کند.

۲.۳.۳. نقض حق اقتباس، تلخیص و تبدیل

حق اقتباس، تلخیص و تبدیل اثر جزء حقوق مادی پدیدآورنده هستند. علت اینکه این حقوق با هم مطرح می‌شوند، وجه مشترک آنها در ایجاد اثر اشتقاقی^۱ است، و گرنه این حقوق از هم مستقل بوده و پدیدآورنده می‌تواند آنها را جداگانه به دیگری واگذار کند یا خود مستقیماً از هریک از آنها بهره مادی ببرد. اثر اشتقاقی، اثری برگرفته از یک یا چند اثر دیگر است (Sterling, op. cit: 242)؛ از قبیل اثر ترجمه‌ای، فیلم‌نامه یا نمایش‌نامه اقتباس شده از داستان، تلخیص، چکیده یا شرح اثر.

حقوق کشورهای تابع نظام کامن‌لا همه این موارد را زیر عنوان «اقتباس»^۲ قرار می‌دهند. البته به نظر حقوق‌دانان این کشورها اقتباس، صرف یک «تغییر»^۳ ساده نیست و به طور خاص معنی آن با توجه به ماهیت هر یک از آثار مورد حمایت، متفاوت است (Bainbridge, op. cit: 164).

اقتباس تنها تغییر و تبدیل یک اثر به اثر دیگر نیست؛ بلکه در صورتی که پدیدآورنده‌ای در خلق اثر خود از اثر شخص دیگر استفاده نماید، اقتباس صدق می‌کند. البته کشورهای

1. Derivative work.

2. Adaptation.

3. Modifying.

غربی این مورد را زیر عنوان «کپی کردن»^۱ یا تکثیر قرار می‌دهند، ولی به نظر می‌رسد این کار پیش از آنکه کپی کردن محسوب شود، اقتباس کردن قلمداد می‌شود. شاید بتوان گفت علت این اختلاف نظر ارتباط نزدیکی است که میان حق اقتباس و حق نشر و تکثیر وجود دارد، به گونه‌ای که مرزبندی میان این دو حق را مشکل می‌کند. به همین دلیل در بسیاری موارد این دو حق با هم نقض می‌شوند (Bently and Sherman, op. cit: 139). ترجمه که از آثار اشتقاقی محسوب می‌شود، به عنوان نمونه‌ای از تبدیل اثر مطرح بوده و ضمن همین حق به آن پرداخته می‌شود.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اثر اشتقاقی از حمایت قانونی برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش باید میان چند فرض تفکیک کرد. اگر اثر اشتقاقی با نقض اثر مورد حمایت همراه باشد، نمی‌توان آن مورد حمایت قانونی دانست. به عنوان مثال، ترجمه‌ای که بدون اذن پدیدآورنده اثر ایجاد شده باشد، مورد حمایت نیست و دیگران برای استفاده از اثر مذکور نیاز به اجازه پدیدآورنده آن ندارند، اگرچه باید از پدیدآورنده اصل اثر اجازه داشته باشند (Fishman, op. cit: 132). قواعد مربوط به غصب نیز مؤید این تحلیل است. زیرا کسی که بدون اذن پدیدآورنده اقدام به ترجمه اثر او کند غاصب محسوب می‌شود و عمل غاصب محترم نمی‌باشد.^۲ اگر اثر اشتقاقی به صورت مجاز ایجاد شده باشد، به دلیل اینکه خود اثری مستقل محسوب می‌شود، باید شرایط لازم برای حمایت از اثر را داشته باشد. ماده ۳ پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز شرط حمایت از آثار اشتقاقی را اصالت داشتن این آثار می‌داند.

1. Copying.

۲. همچنان که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «لیس لعرق ظالم حق». ر.ک: سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، تحقیق: سعید محمد اللحام، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى، بی‌جا، ۱۴۱۰، ص ۵۱، حدیث: ۳۰۷۳. همچنین ر.ک: Lionel Bently and Brad Sherman, op. cit: 87

در مقررات ایران حتی به نام اقتباس و تلخیص و تبدیل بیان نشده، ولی مواردی که ذکر شده به روشنی حاکی از شناسایی این حقوق است. بندهای ۱ و ۶ ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان بیان‌گر حق اقتباس از اثر می‌باشند. بند ۵ این ماده از واگذاری حق ترجمه به دیگری سخن گفته و به نوعی شناسایی حق تبدیل اثر است. بند ۷ ماده فوق که همان اشاره به آثار اشتقاقی است، همه حقوق مذکور را در بر می‌گیرد. زیرا همان‌طور که گفته شد، اقتباس و تلخیص و تبدیل اثر موجب ایجاد اثر اشتقاقی می‌شوند و شناسایی این اثر به معنی شناسایی این حقوق می‌باشد. ماده ۵ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و ماده ۱۲ آیین‌نامه این قانون نیز به گونه‌ای اشاره به حق اقتباس در نرم‌افزارهای رایانه‌ای دارند.^۱

حق اقتباس، تلخیص و تبدیل اثر گاهی به تنهایی مورد نقض قرار می‌گیرد، مثلاً اثر پدیدآورنده بدون اجازه او تلخیص یا ترجمه شود و کسی که مرتکب چنین اعمالی شده است، اثر ایجادشده را به کسی منتقل کند، ولی دیگری آن را نشر و تکثیر یا نمایش ندهد. گاهی نقض حق اقتباس، تلخیص و تبدیل اثر همراه با نقض حقوق معنوی و حقوق مادی دیگر است. کسی که اثر پدیدآورنده را بدون اذن او تلخیص یا تبدیل می‌کند و اثر ایجادشده را به خود یا دیگری نسبت می‌دهد، علاوه بر نقض حقوق مذکور، حق حرمت نام پدیدآورنده را نیز نقض کرده است (Bainbridge, op. cit: 166)؛ مانند اینکه مترجم اثر، نام پدیدآورنده را حذف و اثر را تماماً به نام خود معرفی کند یا سازنده فیلم بدون اشاره به اقتباس فیلم‌نامه‌اش از داستان دیگری، آن را محصول فکری خود معرفی نماید. ممکن است گفته شود اثر ایجادشده فارغ از حمایت یا عدم حمایت قانون از آن، نتیجه تلاش و زحمت

۱. بند ب ماده ۱۷ پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از حقوق مؤلفان، یکی از حقوق مادی پدیدآورنده را ایجاد هر گونه اثر اشتقاقی از قبیل ترجمه و اقتباس از اثر می‌داند.

پدیدآورنده آن است و انتساب آن به دیگری لازم نیست، ولی باید توجه کرد که اثر ایجادشده برگرفته از اثر دیگری است و همین امر موجب ضرورت وجود نام پدیدآورنده اصلی بر اثر ایجادشده می‌شود. به همین دلیل، ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان نقل قول از اثر دیگری را علاوه بر محدود کردن به حدود متعارف با ذکر مأخذ جایز می‌داند.

زمانی که شخصی اثر پدیدآورنده را بدون اذن او تلخیص نماید، حتی اگر نام او را نیز بر اثر ایجادشده ذکر کند، علاوه بر نقض حق تلخیص، مرتکب نقض حق تمامیت اثر نیز شده است. زیرا تلخیص اثر ملازم با تقطیع و حذف قسمتی از اثر است و این عمل بدون اذن پدیدآورنده جایز نیست (Sterling, op. cit: 510).

زمانی که اثر اقتباس، تلخیص و تبدیل شده نشر و تکثیر یا به نمایش گذاشته شود، علاوه بر حقوق مذکور، حق نشر و تکثیر یا نمایش نیز نقض شده است. علت این امر نیز روشن است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، این حقوق ارتباط نزدیکی با حق نشر و تکثیر و نمایش دارد و مرزبندی میان این دو مشکل است. البته این ارتباط با حقوق مادی دیگر نیز برقرار است (See: Bently and Sherman, op. cit: 139). به عنوان مثال، اگر اثری بدون اذن پدیدآورنده ترجمه و تکثیر شود و سپس ترجمه‌های تکثیرشده برای عرضه به عموم توزیع شوند، علاوه بر نقض حق تبدیل اثر و حق نشر و تکثیر، حق توزیع نیز نقض شده است.

زمانی که حقوق مذکور به تنهایی و یا همراه با حقوق مادی نقض می‌شوند، پدیدآورنده با دو ضرر ممکن است روبرو شود. نخست آن که به دلیل نقض حق اقتباس، تلخیص و تبدیل، اثر اصلی کاهش ارزش پیدا کند، به گونه‌ای که دیگران مایل به پرداخت پول در مقابل آن نباشند. مثلاً وقتی تلخیصی از یک اثر ایجاد می‌شود، ممکن است رغبت افراد به اثر اصلی کم شود و این موجب ضرر پدیدآورنده است. دیگر آنکه با نقض این حقوق، پدیدآورنده از منافع مسلمی محروم می‌شود و در مقابل، ناقض به طور نامشروع از حقوق

انحصاری او استیفا می‌کند که این نیز ضرر محسوب می‌شود. لذا دادگاه در حکم خود باید به هر دو مورد توجه نماید.

۲.۳.۴. نقض حق عرضه و اجرای عمومی (نمایش)^۱

برخی آثار ادبی و هنری همچون آثار شنیداری یا دیداری به گونه‌ای هستند که نمی‌توان حمایت از آنها را محدود به عدم تکثیر این کارها کرد، زیرا قابلیت دارند بدون تکثیر مورد نمایش و در دسترس عموم قرار گیرند. (Ibid: 133) لذا حق انتقال اثر به عموم از حقوق انحصاری پدیدآورنده است که می‌تواند آن را به دیگران واگذار نماید. به این ترتیب برخی به طور عام، عرضه اثر را عبارت از به اطلاع عموم رسانیدن آن می‌دانند، به هر نحوی غیر از آنچه موجب حق تکثیر است (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۳۳). برخی از نویسندگان ایرانی با مترادف قلمداد کردن عرضه و اجرا و نمایش اثر، عرضه را به معنای در دسترس قرار دادن یا نمایش دادن یک اثر شنیداری یا دیداری برای عموم، و اجرا را به معنای نمایش زنده و مستقیم برای عده‌ای توصیف کرده‌اند (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۲۸).

اگرچه تعریف اخیر تمام اشکال انتقال اثر به عموم، اعم از شکل سنتی یا مدرن را در بر می‌گیرد، محدود کردن تعریف به آثار شنیداری یا دیداری موجب نقص آن می‌شود؛ زیرا حق عرضه و اجرای اثر برای غیر از این آثار نیز وجود دارد. به عنوان مثال، نویسنده نمایش‌نامه‌ای که می‌توان آن را به صورت تئاتر اجرا کرد، دارای حق عرضه و اجرا می‌باشد. تأکید اصلی در این حق ارائه اثر به عموم است و در واقع همین معیار، قلمرو تکثیر را از نمایش جدا می‌کند. سیستم‌های حقوقی غالباً معتقدند گروه افرادی که خارج از دایره خانواده باشند داخل در مفهوم «عموم»^۲ هستند. (Sterling, op. cit: 372)

1. Public performance.

2. Public.

برخی کشورها مثل انگلستان، عرضه و اجرای عمومی اثر را نمایش آن در حضور مردم می‌دانند، اعم از اینکه نمایش مذکور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم باشد، مانند اجرای تئاتر در سالن یا نمایش فیلم در سینما. در این کشورها، نمایش اثر از طریق رادیو، تلویزیون و اینترنت خارج از مفهوم اجرای عمومی است. به همین دلیل برخی از حقوق‌دانان انگلیسی برای جمع همه موارد مذکور، عنوان «حق انتقال»^۱ را برگزیده‌اند (Ibid) و عده‌ای نیز حق عرضه اثر از طرق مذکور را به عنوان حقی مستقل در کنار حق اجرای عمومی قرار داده‌اند. See: Bently and Sherman, op. cit: 133, 138 and Bainbridge, op. cit: 161-164. در مقابل، برخی دیگر از کشورها مثل آمریکا، حق اجرای عمومی را شامل انتقال از طریق رادیو، تلویزیون و اینترنت نیز می‌دانند و عنوان جداگانه‌ای برای آن قرار نمی‌دهند. (Sterling, op. cit: 372-373)

علت اختلاف این گونه بیان شده که در نمایش اثر در حضور مردم مفهوم «عموم» صادق است، ولی در نمایش از طریق رادیو، تلویزیون و اینترنت چنین نیست و هر شخص می‌تواند در خانه خود به طور فردی به نمایش اثر بپردازد و مفهوم «عموم» در این موارد وجود ندارد. حقوق فعلی ایران در این باره ساکت است. قانون حمایت از حقوق مؤلفان همه این موارد را ذیل ماده ۵ آورده است. البته ماده ۱۷ پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری موارد مذکور را جداگانه ذکر کرده که بیان‌گر تمایل به سیستم حقوقی انگلستان است.

به نظر می‌رسد عنوان «عرضه و اجرای عمومی» همه موارد مذکور را شامل می‌شود و نیاز به تفکیک هر یک از آنها نیست. زیرا تفاوت این طرق فقط در شرایط اجرا و نه ماهیت آنهاست. آنچه اهمیت دارد این است که به وسیله همه طرق مذکور، اثر به اطلاع عموم

1. Communication right.

می‌رسد. اطلاق رسانه‌های جمعی و عمومی به رادیو و تلویزیون نیز گواه بر این مدعا است. لازم به ذکر است که یک اثر می‌تواند چندین مرتبه عرضه شود و به طور تکراری موجب اجرای متعدد حق انحصاری اجرای عمومی شود، امری که مستوجب پرداخت حقوق متعدد به پدیدآورنده است. بدین سان، اگر یک اثر ادبی یا موسیقی در یک سالن تئاتر یا کنسرت نمایش داده شود، سپس همزمان یا بعداً از رادیو پخش شود با دو شکل مختلف اجرای عمومی مواجه هستیم و هر یک از آنها به طور جداگانه به اجازه پدیدآورنده یا دارنده حق نیاز دارد. این ویژگی موجب تمایز این حق با حقوق مادی دیگر می‌شود. زیرا غالباً با انتقال حق نشر و تکثیر یا اقتباس، تلخیص و تبدیل اثر دیگر کسی حاضر به پرداخت پول برای کسب همزمان این حقوق نیست.

این حق به صراحت در ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان به رسمیت شناخته شده است. مطابق بند ۲ و ۴ ماده ۵ قانون مذکور، نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و نمایش‌های دیگر و پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر یکی از حقوق مادی قابل انتقال پدیدآورنده دانسته شده است که نمونه‌هایی از حق عرضه و اجرای عمومی اثر هستند. البته در این ماده شرط «عمومی» برای عرضه و اجرای اثر ذکر نشده، ولی از نمونه‌های مذکور در ماده ۵ قانون فوق و نیز با توجه به تفاوت میان این حق و حق نشر و تکثیر، این شرط قابل استنباط است.

به هر حال، همان‌طور که نمایش اثر به صورت مستقیم و غیر مستقیم واقع می‌شود، نقض آن نیز به دو صورت مذکور انجام می‌گیرد. مانند اینکه فیلمی بدون اجازه پدیدآورنده یا دارنده حق در یک سینما به نمایش گذاشته و یا از تلویزیون پخش شود. همچنین به دلیل تعدد وجود حق عرضه، ممکن است مثلاً عرضه یک موسیقی در یک شبکه تلویزیونی مجاز و در شبکه دیگر غیر مجاز باشد و پخش موسیقی در شبکه مذکور نقض حق عرضه و اجرا

محسوب شود.

ممکن است این حق همراه با حقوق معنوی نقض شود. به عنوان مثال، نمایش نامه‌ای پس از تحریف و تغییر به عنوان همان نمایش نامه در سالن تئاتر نمایش داده شود یا اینکه فیلمی با انتساب به دیگری به پرده نمایش گذاشته شود.

در میان حقوق مادی به نظر می‌رسد نقض این حق تنها با نقض حق اقتباس، تلخیص و تبدیل اثر همراه باشد. زیرا نقض حق نشر و تکثیر و حق توزیع نسبت به حامل‌های فیزیکی اثر و غالباً به صورت فردی است، ولی نقض حق عرضه و اجرا به صورت نمایش عمومی اثر صورت می‌گیرد و این امر با تکثیر همراه نیست. به عنوان مثال، زمانی که یک فیلم یا موسیقی بدون اذن پدیدآورنده عرضه و اجرا می‌شود و در زمان اجرا از آن نسخه‌ای تهیه و سپس تکثیر می‌شود، حق نشر و تکثیر اثر پس از نقض حق عرضه و اجرا نقض می‌شود و همراه با آن نیست. همچنین قلمرو حق اجرای عمومی با حق اجاره و عاریه عمومی متفاوت است. لذا اگر اثری، مانند فیلم، برای عرضه در سینماهای کشور در چند نسخه تکثیر شود و مالک سینما یک نسخه از این فیلم را برای نمایش عمومی تهیه نماید، نمی‌توان آن را بر اساس حق اجاره دانست، بلکه حق عرضه و اجرای عمومی فیلم واگذار شده است (Bently and Sherman, op. cit: 133). حال اگر واگذاری فیلم مذکور بدون مجوز صورت گیرد، آنچه نقض شده حق اجرای عمومی فیلم و نه حق اجاره آن است.

زمانی که اثری تلخیص یا تبدیل و سپس به نمایش گذاشته می‌شود، می‌توان گفت دو حق مذکور همراه با هم نقض شده‌اند. به عنوان مثال، فیلمی که به زبان انگلیسی تولید شده پس از دوبله یا زیرنویس بدون مجوز آن به فارسی به نمایش گذاشته شود و یا سریالی طولانی پس از خلاصه کردن، به صورت یک فیلم از طریق تلویزیون پخش شود.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر شخصی به طور قانونی یک نسخه از اثر

قابل نمایش را خریداری کرد، آیا می‌تواند آن را به طور عمومی عرضه نماید؟ به عنوان مثال، مدیر هتل امکاناتی را فراهم کند که موسیقی خریداری شده برای تمام میهمانان آن هتل پخش شود یا مغازه‌ای برای جلب مشتری نسبت به نسخه‌های تهیه شده از یک فیلم، آن را به نمایش بگذارد.

حقوق کشورهای غربی چنین مواردی را به عنوان نقض حق اجرای عمومی مطرح می‌کنند. (Hart, Fazzani & Clark, op. cit: 186 and Sterling, op. cit: 374-375) پذیرش این نظر در حقوق ایران نیز قابل دفاع است. زیرا همان‌طور که گفته شد، انتقال بُعد مادی اثر به معنی انتقال بعد معنوی آن نیست و دارنده اثر با خرید آن فقط بر بُعد مادی اثر تسلط پیدا می‌کند. لذا با توجه به تحقق مفهوم «عموم» در این موارد، می‌توان شخص را ناقض حق عرضه و اجرای عمومی اثر دانست.

تحلیل مسئولیت مدنی نقض حق عرضه و اجرا همانند نقض حق نشر و تکثیر است؛ زیرا این دو حق بسیار به هم شبیه می‌باشند و فقط معیار ارائه اثر به عموم موجب تمایز میان آنهاست. لذا هر کس حق عرضه و اجرای پدیدآورنده را بدون مجوز قانونی نقض کند مسئولیت مدنی دارد و مبنای آن اتلاف است؛ زیرا ناقض با این کار اثر فکری پدیدآورنده را که ارزش مالی دارد، تلف کرده است. تلف مذکور به صورت کاهش ارزش و مالیت است، به این معنی که پس از نمایش بدون مجوز اثر به یک شکل دیگران مایل به پرداخت پول به ازای دریافت امتیاز نمایش اثر به آن شکل نیستند و این امر موجب زیان پدیدآورنده می‌شود. به عنوان مثال، زمانی که نمایش‌نامه‌ای بدون اذن پدیدآورنده یا دارنده حق در یک سالن تئاتر اجرا می‌شود، گروه‌های دیگر حاضر به اجرای آن نیستند و یا قرارداد آن اثر نمایشی در اینترنت موجب می‌شود که بسیاری از افراد به آن دسترسی پیدا کنند و همین امر مانع جذب سرمایه‌گذاران در به دست آوردن حق عرضه و اجرای اثر می‌باشد. عرضه و

اجرای اثر بدون اذن پدیدآورنده یا دارنده حق حتی اگر موجب کاهش ارزش و مالیت اثر نشود و دیگران هم چنان مایل به پرداخت پول به ازای آن باشند، ناقض را از مسئولیت مدنی رها نمی کند. زیرا با این کار منافع مسلم و قطعی پدیدآورنده یا دارنده حق از بین رفته و ناقض با استیلا نامشروع بر مال دیگری به ضرر او دارا شده است. همچنین می توان ناقض را غاصب قلمداد کرد. زیرا عرضه و اجرای عمومی اثر موجب استیلا بر آن می شود و چنانچه بدون اذن پدیدآورنده یا دارنده حق صورت گیرد استیلا غیر قانونی بر مال غیر خواهد بود. منظور از استیلا بر اثر، استیلا بر اثر فکری است.

۲.۳.۵. نقض حق اجاره و عاریه عمومی^۱

پدیدآورنده می تواند نسخه اصلی اثر خود و یا تکثیر شده آن را به صورت اجاره و عاریه در اختیار دیگران قرار دهد. همچنین می تواند اجازه این کار را در مقابل مبلغی پول به شخصی دیگر واگذار نماید. در گذشته اجاره آثار فکری تهدیدی برای حقوق مادی پدیدآورنده محسوب نمی شد و شاید به همین دلیل کنوانسیون برن به عنوان مهم ترین معاهده بین المللی درباره آثار ادبی و هنری اشاره ای به این حق نمی کند، ولی امروزه این کار یک تجارت گسترده و فراگیر است (Sterling, op. cit: 372).

برخی کشورها در ابتدا این حق را تنها برای آثار صوتی، فیلم ها و برنامه های رایانه ای قرار داده بودند، ولی به تدریج آن را به دیگر آثار ادبی و هنری غیر از اثر معماری تسری دادند. اثر معماری به این جهت که تصور می شد اجاره این گونه آثار دربردارنده اجاره خانه است، مشمول این حق قرار نگرفت (Bently and Sherman, op. cit: 132).

برخی از حقوق دانان این حق را زیر مجموعه حق توزیع قرار داده اند (Sterling, op. cit: 371) به این معنی که یکی از اشکال توزیع اثر، اجاره و عاریه دادن آن است. البته باید

1. Rental and lending right.

توجه کرد که حق اجاره و عاریه عمومی با اولین فروش کپی اثر از بین نمی‌رود. لذا اگر پدیدآورنده‌ای حق نشر و تکثیر و حق توزیع اثر خود را به کسی واگذار کرد و اثر مذکور به بازار عرضه شد، همچنان می‌تواند حق اجاره و عاریه اثر خود را اعمال نماید، مگر آنکه این حق نیز واگذار شده باشد.

این حق در هیچ یک از قوانین فعلی مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری ذکر نشده است. با این حال نمی‌توان گفت حق مزبور مورد احترام و حمایت قانون نیست. زیرا اجاره و عاریه اثر از متفرعات ملکیت پدیدآورنده یا دارنده حق نسبت به اثر است. وجود کلپ‌های قانونی اجاره دهنده آثار دیداری و شنیداری مؤید شناسایی تلویحی این حق است. زیرا بسیاری از آثار عرضه‌شده در این مراکز قبلاً نمایش داده شده‌اند و پس از آن، حق اجاره این آثار توسط دارنده حق واگذار می‌شود. پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری در ماده ۱۷ به صراحت این حق را شناسایی کرده است.

آنچه در حق اجاره و عاریه عمومی باید توجه کرد این است که نقض این حق اساساً موجب ورود ضرر به پدیدآورنده یا دارنده حق نمی‌شود. زیرا اگر اثر توسط کسی خریداری شود به اقتضای سلطنت بر آن می‌تواند اثر را اجاره یا عاریه دهد و اگر اثر هنوز منتشر نشده باشد و پس از نشر و تکثیر غیر قانونی توسط ناقض اجاره یا عاریه داده شود، آنچه موجب ضرر پدیدآورنده یا دارنده حق می‌شود، تکثیر غیر مجاز و نه اجاره یا عاریه آن است؛ زیرا ناقض می‌توانست به جای اجاره یا عاریه اثر آن را به فروش برساند. لذا اجاره یا عاریه اثر در این حالت فقط شیوه بهره‌برداری ناقض از اثر تکثیرشده است.

نتیجه

برای اقامه دعوی مسئولیت مدنی در هر موضوعی اثبات سه رکن زیان، فعل زیان بار و رابطه سببیت میان این دو ضروری است. از میان این سه رکن، با توجه به ملموس نبودن اموال معنوی از جمله آثار ادبی و هنری، فعل زیان‌بار در زیان وارد کردن به حقوق مادی

این اموال چهره ویژه و خاص خود را دارد. همین امر اقتضا دارد که هر یک از حقوق مادی مورد مطالعه قرار گرفته، موارد و چگونگی نقض آنها بررسی شود. هر یک از این حقوق ممکن است به تنهایی یا به همراه حقوق دیگر مورد تعرض قرار گیرد. تحلیل نقض این حقوق و شرایط آن از طرفی موجب می شود که قانون گذار بهتر بتواند در این زمینه به قانون گذاری پردازد و خلأ قانونی موجود در این زمینه را برطرف سازد، و از طرف دیگر به قضات محترم و افراد وابسته به دستگاه قضا در قضاوتی عادلانه و دفاعی شایسته کمک می نماید. همچنین ادبیات حقوقی ایران در زمینه مسئولیت مدنی نقض حقوق ناشی از آثار ادبی و هنری ارتقا می یابد.

منابع

الف) فارسی

۱. آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری، تهران: حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲. امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۴. حضرتی، صمد، «مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.
۵. حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۶. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، تعلیقات سید صادق شیرازی، تهران: استقلال، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
۷. روحانی، سید محمدصادق، منهاج الفقاهه، بی‌جا: بی‌نا، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق.
۸. سجستانی، سلیمان بن الاشعث، سنن ابی داود، تحقیق سعید محمد اللحام، بی‌جا: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۹. شفیع‌شکیب، مرتضی، بررسی حقوق نشر کتاب در ایران؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۱۱. کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
۱۳. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، قاهره: دارالمعارف، چاپ دوم، بی تا.
۱۴. میرحسینی، سید حسن، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۵. میرزایی، علی محمد، مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
۱۶. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تحقیق شیخ علی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۹۴ق.
۱۷. نوری، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

ب) انگلیسی

18. Bainbridge, Daivid. I, Intellectual Property, 7th edition, Person Longman, 2009.
19. Bently Lionel and Brad Sherman, Intellectual Property Law, Oxford Univercity Press, New York, 2001.
20. Cornish, W.R, Intellectual Property, 4th edition, Sweet & Maxwell, London, 1999.
21. Elias Stephen and Richard Stim, Patent, Copyright & Trademark, 7th edition, Nolo Press, 2004.
22. Fishman, Stephen, The Copyright Hand book How to Protect & Use written Works, 6th edition, Nolo Press, 2002.
23. Hart Tina, Linda Fazzani & Simon Clark, Intellectual Property Law, 4th edition, Palgrave Macmila, New York, 2006.
24. Marett, Paul, Intellectual Property, Sweet & Maxwell, London, 1996.
25. Marie Mooney Cotter, Anne, Intellectual Property Law, Cavendish, London, 2003.
26. Sterling, J.A.L, World Copyright Law, 2nd edition, Sweet & Maxwell, London, 2002.